

نمونه دادخواست گرفتن حضانت فرزند از طرف پدر به همراه صدور دستور موقت

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان	مشخصات زوج				
خوانده	مشخصات زوجه				
وکیل یا نماینده قانونی	مشخصات وکیل دادگستری				
تعیین خواسته و بهای آن	بدوا" صدور دستور موقت و در ماهیت دعوی، صدور حکم مبنی بر تعلق حضانت فرزند مشترک به موکل و نیز الزام خوانده محترم به تحویل فرزند مشترک به موکل				
دلایل و منضمات دادخواست	۱- تصویر مصدق عقدنامه رسمی به شماره ... دفتر اسناد رسمی ثبت ازدواج شماره ... تهران ۲- تصویر مصدق شناسنامه زوج ۳- تصویر مصدق شناسنامه فرزند مشترک ۴- شهادت شهود ۵- تحقیق و معاینه محل ۶- اظهارنامه ۷- وکالتنامه				

ریاست محترم مجتمع قضایی خانواده سلام‌علیکم؛ احتراماً" اینجانب وکیل خواهان، نکات ذیل را به استحضار میرساند:

اولاً؛ با عنایت به اینکه مستند به تصویر مصدق عقدنامه رسمی پیوستی رابطه زوجیت دائم فیما بین موکل و خوانده محترم محرز و مسلم است.

ثانیاً؛ با توجه به اینکه مستند به تصویر مصدق شناسنامه‌های موکل و فرزند مشترک، ثمره این ازدواج، وجود فرزندی به نام ... متولد ... می‌باشد.

ثالثاً؛ با نظر به اینکه مدتی است موکل و خوانده محترم از یکدیگر مفارقت فیزیکی دارند و این امر، از طریق شهادت شهود قابل احراز است و شهود مذکور عبارتند از:

(الف) جناب آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... متولد ... به نشانی ...

(ب) جناب آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... متولد ... به نشانی ...

(ج) جناب آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... متولد ... به نشانی ...

(د) جناب آقای ... فرزند ... به شماره شناسنامه ... صادره از ... متولد ... به نشانی ...

علاوه بر اینکه موکل، طی اظهارنامه پیوستی به شماره ... مورخ ... ارسالی از طریق مجتمع قضایی ... موضوع مفارقت فیزیکی خویش و خوانده محترم و همچنین موکل، حضانت فرزند مشترک را از خوانده محترم تقاضا نموده لیکن خوانده محترم از اجرای این تقاضای قانونی استنکاف نموده است.

مضافاً بر اینکه قرار تحقیقات و معاینه محل نیز می‌تواند مثبت مفارقت فیزیکی موکل و خوانده محترم باشد.

رابعاً؛ با نظر به اینکه وفق ماده ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۸۲/۵/۶ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر (خوانده محترم) تا سن ۷ سالگی، اولویت دارد و پس از آن با پدر (موکل) است.

خامساً؛ با ملاحظه اینکه تداوم این وضعیت برای موکل و فرزند مشترک، موجب بروز ناراحتی‌های روحی و پریشان‌خاطری هر دو آنان را به همراه دارد و امکان ورود خسارات معنوی جبران ناپذیری برای آینده آنان، غیرقابل انکار است.

لذا موارد ذیل مورد استدعاست:

۱- بدوا" صدور دستور موقت مبنی بر الزام خوانده محترم به تحویل فرزند مشترک به موکل وفق مواد ۳۱۰ لغایت ۳۲۵ ق.آ.د.م و به دلیل فوریت امر، اجرای دستور موقت قبل از ابلاغ آن به خوانده محترم وفق ماده ۳۲۰ قانون اخیرالذکر

۲- در صورت عدم اقرار خوانده محترم در اولین جلسه دادرسی مبنی بر وجود مفارقت فیزیکی فیما بین موکل و نامبرده و همچنین وجود فرزند مشترک نزد خوانده محترم، صدور قرار استماع شهادت شهود، وفق مواد ۲۲۹ لغایت ۲۴۷ ق.آ.د.م و همچنین صدور قرار ارجاع امر به تحقیقات و معاینه محل، بمنظور احراز این امر، وفق مواد ۲۴۸ لغایت ۲۵۶ ق.آ.د.م

۳- در ماهیت دعوی، صدور حکم مبنی بر تعلق حضانت فرزند مشترک به موکل و نیز الزام خوانده محترم به تحویل فرزند مشترک به موکل، وفق ماده ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۸۲/۵/۶ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، و همچنین الزام خوانده به پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل دادگستری، وفق مادتهای ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و قاعده تسبیب.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامات
وکیل خواهان